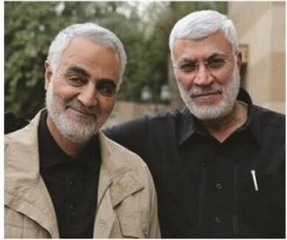


# مدافعان حرم



خاطرات شهدای  
مدافع حرم (۱)  
ناصر کاوه





شهید اکبری جانباز فتنه ۸۸ بودند. ایشان زمانی در مقابل داعشی های وطنی ایستادند و در زمان و مکانی دیگر در مقابل داعشی های خارجی! جالب آنجاست که فتنه گران از تکفیری های سوریه حمایت کردند و تکفیری های شام و عراق از فتنه گران داخلی و وجه مشترک هر دوی آن ها مخالفت با رهبر جمهوری اسلامی ایران بوده و هست و خواهد بود. اما زهی خیال باطل که همانند گذشته عمارهای سید علی در راه ایران و اسلام و ولایت، چه خون ها که نمی دهند و چه جوانانی که تقدیم نمی کنند.

**بخشی از وصیت شهید:**

سلام مرا به رهبرم سید علی خامنه ای برسانید و به ایشان بگویید از ایشان شرمندم ام، چون یک جان بیشتر نداشتم تا در راه دفاع از حریم اسلام و انقلاب تقدیم نمایم.



## شهمید دانشجوی مدافع حرم صادق عدالت اکبری

دانشجوی کارشناسی تربیت بدنی  
استان آذربایجان شرقی

زودکی خاتم این تبارم  
چنان حبیب نماز مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





در آخرین روز های قبل از رفتنش می گفت ما نیاز داریم به کسی که انقلابی عمل کند.  
 بعضی ها می گویند کسانی باید به جنگ بروند که تجربه داشته باشند ولی در این جنگ مانند دفاع مقدس جوانان خط شکن لازم است و عباس یکی از این جوانان خط شکن و فدایی بود.

به روایت همسر شهید

شهادت سن و سال نمی شناسد!  
 زمان و مکان سرش نمی شود!  
 زشتی و زیبایی ظاهر ملاکش نیست!  
 او، باطن بین است...  
 که هر وقت رنگ آسمان،  
 در زلالی قلبت بیوفتد،  
 لایقش می شوی...  
 همین بغل دستت،  
 همین حوالی،  
 در هوا بیشان نفس میکشی...  
 و این دریا های زلال جاری اند  
 و چشم های نابینا کجارا می بینند،  
 دریا را؟!!

# شهادت شهید دانشجوی مدحرم عبدالعزیز شکر

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی  
 استان سمنان

زودکی خدایم این تبارم  
 چنان جیب نما سوزانم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





شهید عابدینی از کسانی بود که یک گردان را عاشق خود کرده بود، در هر زمینه ای اعم از تاکتیک و تکنیک نظامی و مدیریت بر دیگران برتری داشت و صاحب سبک بود.

این شهید در دانشگاه و در مقطع لیسانس رتبه نخست را به دست آورد و از وی تجلیل شد اما در زمانی که خیلی ها می گفتند سوریه به ما چه ربطی دارد، به ندای هل من ناصر امام زمان خود لبیک گفت و عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شد. وی در سوریه سه بار مجروح شد اما دست از جهاد نکشید تا به هدف اصلی خود که شهادت بود رسید.

زندگی زیباست؛  
اما شهادت از آن زیباتر است.  
سلامت تن زیباست؛  
اما پرندۀ عشق،  
تن را قفسی می بیند،  
که در باغ نهاده باشند.

شهید سید مرتضی آوینی



# شهید دانشجوی مدحرم علی عابدینی

دانشجوی کارشناسی آا  
استان مازندران

زودکی خاتم این تبارم  
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلوی او گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





روز ۲۵ خرداد سال ۸۸ به شدت مجروح شده بود (چهارضربه چاقو به پای چپ و یک ضربه قمه به بازوی چپ) و چون نیروهای امدادی بخاطر تهدید اغتشاشگران حدود شش یا هفت ساعت بعد توانسته بودند ایشان را به بیمارستان انتقال دهند و بخاطر خونریزی زیاد تا دو روز وقتی می خواستند در خانه راه بروند از شدت سرگیجه دستشان را به دیوار می گرفتند ولی با همان ضعف و بی حالی روز بیست و هفت خرداد آماده شدند برای رفتن به تهران وقتی با تعجب علت را پرسیدم گفتند در تمام فضاهای اینترنتی تهدید کردند می خواهند به سمت بیت رهبری بروند. من باید بمیرم که فتنه گران چنین حرفی را حتی به دهان بیاورند.

به روایت همسر شهید

# شهید دانشجوی مدافع حرم مصطفی زاده

دانشجوی کارشناسی ادیان و عرفان  
لشکر فاطمیون

زودکی خاتم این تبارم  
چنان جیب نماز مرا فرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و یقین است آنها با اینها می جنگیدیم ...





مردان شمال، جان به جانان دادند  
از داغ جوان، مادری گریبان شد

در راه دفاع از حرم جان دادند  
پس نام شهید ماند و جاویدان شد

زان گفته که خط سرخ ماشامات است  
امروز رگ سوری به، خان طومان شد

در وصف جنوب حلب باید گفت  
این منطقه هم شلمچه ی ایران شد ...

پیشکش شهدای روح بلند  
شهدای منطقه خان طومان

# شهادت دانشجوی مداحم روح الصحرا

دانشجوی کارشناسی حقوق ثبتی  
استان مازندران

زکودکی خاتم این تب خدایم  
چنان جیب نما سرفرازم

شهدای مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و یقین استازها با اینها  
می جنگیدیم ...





از کودکی علاقه به لباس های جنگی  
 پدر داشتی و مردانه رفتار می کردی.  
 پدرت که به جنگ رفت مرد خانه شده  
 بودی و برای ایستادن مادرت در صف  
 نانواپی هم غیر تی می شدی.  
 همه اش نگران حضرت مادر بودی و به ما  
 گوش زد می کردی که مبادا مُد بشود  
 دوری از عفاف و حجابتان، که در آن  
 دنیاشر منده فاطمه الزهرا (س) بشوید.

# شهادت دانشجوی مدافع حرم ابوالشیر و انیان

دانشجوی کاردانی میکانیک ماشین آلات  
 استان اصفهان

زکودکی خاتم این تبارم  
 چنان جیب نما سوارم

شهادای مدافع حرم با  
 دشمنی مبارزه کردند که اگر  
 اینها مبارزه نمی کردند، این  
 دشمن می آمد داخل کشور.  
 اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
 باید اینجا در کرمانشاه و  
 همدان و یقین استازها با اینها  
 می جنگیدیم ...





می‌گویند مدافعان برای پول می‌روند.  
 برادرم مهندس کامپیوتر بود، تافل  
 انگلیسی داشت، مسلط به زبان  
 عربی بود و می‌توانست در ایران  
 بهترین درآمد را داشته باشد، اما از  
 مال دنیا گذشت و به سوریه رفت.  
 رفت و بدون توجه به حرف های  
 اطرافیان هدفش را ادامه داد.  
 محبتی می‌گفت: یک روز به  
 جایی می‌رسیم که همه ی  
 این افراد اشتباهاتشان را  
 می‌فهمند.

به روایت خواهر شهید

# تحمید دانشجوی مدافع حرم شهید محبتی حسینی

دانشجوی کارشناسی کامپیوتر  
 لشکر فاطمیون

زودکی خاتم این تبارم  
 چنان حبیب نماز فراموشم

شهادت مدافع حرم با  
 دشمنی مبارزه کردند که اگر  
 اینها مبارزه نمی‌کردند، این  
 دشمن می‌آمد داخل کشور.  
 اگر جلویش گرفته نمی‌شد، ما  
 باید اینجا در کرمانشاه و  
 همدان و بقیه استانها با اینها  
 می‌جنگیدیم ...







سید حمید وصیت کرد که دوست دارم  
مثل مادرم حضرت زهرا (س) گمنام باشم و  
همانند جدم امام حسین (ع) تشنه لب!  
چقدر جالب است با کفشی که برای پیاده  
روی اربعین گرفته بودند و قسمت نشد که  
بروند؛ ولی در عوض با همون کفش رفتند  
سوریه.

حرم حضرت زینب (س)، حرم ارباب و حرم  
بی بی نلارد؛ «راه یکی ست»

از شهید سید حمید سجادی بعد از گذشت  
چند وقت فقط یک پلاک و یک ساک  
وسایل بر گشت تا طبق وصیتشون همچون  
مادرشون حضرت زهرا (س)، در گمنامی و  
مکانی نامعلوم دفن شده باشند.

به نقل از خواهر شهید

در دنیا جز نامی و چند عکسی و یک  
مشت یادگار، ظاهراً چیزی از شهید باقی  
نمی ماند؛ اما با چشم سیر، در منظر  
حقیقت، این خون شهید است که در  
شریان های حیات تاریخی انسان جریان  
دارد ...

شهید سید مرتضی آوینی



# شهید دانشجوی مدافع حرم سید سجادی

دانشجوی کارشناسی کشاورزی  
لشکر فاطمیون

زودکی خاتم این تبارم  
چنان جیب نما سرفرازم

شهدای مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...





اولین شب بعد از عقدهمان احیا گرفتیم. آن شب ایشان دعای زیبایی کردند. گفتند باید دعا کنیم که خداوند اشک چشمان برای گریه ائمه را خشک نکند. این واقعا برکت زندگی است و اگر این اشک چشم خشک شود خیلی از توفیقات از ما سلب می شود. از اعمالشان مشخص بود که چقدر محب اهل بیت هستند و چقدر دوست دارند که برای این اعتقادی که دارند تلاششان را بکنند. اعتقادی که از صمیم قلب بود و ظاهرسازی نبود و با شهادت اثباتش کردند ....

عشق است به راه عاشقی سر دادن  
جان و تن خود برای دلبر دادن

آمال تمام نوکران این باشد  
سر را به ره دختر حیدر دادن



## شهادت دانشجوی مدافع حرم شهید کی موسوی

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی  
استان خوزستان

زودکی خاتم این تبارم  
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





شهادت را همه دوست دارند اما زحمت کشیدن برای شهادت را چه؟ شهید شدن یک اتفاق نیست. گلی است که برای شکوفا شدنش باید خون دل ها بخوری. به بی دردها، به بی غصه ها، به عاقبت طلب ها، شهادت نمی دهند. باید دغدغه مند باشی، دغدغه کشور، دغدغه اسلام، دغدغه کار جهادی، باید از دنیا و تعلقات آن بگذری و آن وقت است که قلبت را بومی کنند و اگر بوی دنیا داد، رهایت می کنند ... خلاصه که اگر عاشق شهادتی اول باید سرباز خوبی باشی خوب مبارزه کنی و کم نیآوری درست مثل یاران عاشورایی حسین بن علی (ع) ، درست مثل مدافعان حرم زینب (س) ...

# شکفتدانشجوی مداحرم سپید جواد اسدی

دانشجوی کارشناسی حقوق  
استان مازندران

زکودکی خاتم این تبارم  
چنان جیب نما سرفرازم

شهادای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینچا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





سید جلال عزیز در عرصه ی اقدامات غافل گیرانه ی امنیتی و مقابله با آشوبها و بحرانهای داخلی توانمندی بالایی داشت و از این توانمندی برای کمک به سربازان گمنام وزارت اطلاعات از او بهره گرفته شد.

در خرداد ماه سال ۸۴ برای دستگیری سران ضد انقلاب در روستاهای شهرستان سلماس، او و یارانش با فداکاری و ایثار، چنان ضد انقلاب را قلع و قمع نمودند که مسئولین استان آذربایجان غربی را به اعجاب و تحیر در آوردند.

سید جلال عزیز در جنگ نرم و در مواجهه با بحران ها و آشوب های داخلی و مقابله با فتنه هایی همچون ۱۸ تیر ۷۸، جریان براندازی ملی-مذهبی در تحركات خرنده و پنهان فتنه گران ۸۸ نقش برجسته ای در آرامش بخشی به فضای امنیتی جامعه ایران ایفا کرد.



## تحمید دانشجوی مداح م سید جلال حمید البدر پور

دانشجوی کارشناسی حقوق  
استان مازندران

زودکی خاتم این تبارم  
چنان حبیب نماز مرا فرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





عادت داشت اگر یک روز به خانه  
نمی آمد، حتما فردا با یک دسته  
گل به دیدن همسرش می رفت .  
به همسرش گفته بود: "تو عشق  
اولم نیستی؛  
اول خدا ...  
بعد سیدالشهدا ...  
بعد شما ...!  
همیشه در منزل همسرش را  
کریلای من صدا می زد.

\*\*\*

ما اگر خیلی چیزها را فراموش کرده  
ایم اما یک نفر هست که هنوز با  
عطر تو زندگی می کند...  
همسر دردانه ات...  
از مردانگیت می گوید  
از مهربانی هایت  
هنوز هم می شنود که به جای  
دوستت دارم می گویی یادت باشه ،  
یادت باشه ...  
او هم جواب می دهد یادم هست ،  
یادم هست ...



# شهید دانشجوی مداح حمید سیاهکالی مراد

دانشجوی کارشناسی حسابداری  
استان قزوین

زودکی خاتم این تبارم  
چنان حبیب نماز مرا فرم

شهادت مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...





وقتی بعد از مدتی خبر رفتن شهیدا رو میدن، علاوه بر درد فراق اونها، درد سنگین تری رو باید بعد از اونا متحمل شی و اونم همین درد نشناختن کامل و بهره وافی و کافی نبردن از مصاحبت با اوناست...

وقتی خبر شهادت سجاد رو شنیدم زلزله ای تو چهار ستون بدنم شروع به لرزیدن کرد که هم می خواستم باور کنم هم نمی خواستم . سجاد از اون آدمهایی بود که آگه به مرگ طبیعی از بینمون میرفت من باور نمی کردم. شهادت لیاقتی است و سجاد جان، این لیاقت رو داشت و خیاط ، پیراهن شهادت آقا سجاد رو به زبایی برای ایشون دوخت.

## شهمید دانشجوی مداحم سجاد دهمقان

دانشجوی کاردانی شیمی پالایش گاز  
استان فارس

زکودکی خاتم این تبارم  
چنان جیب نما سوادم

شهیدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





هنر آن است که بی  
هیاهوهای سیاسی و خودنمایی  
شیطانی، برای خدا به جهاد  
برخیزد و خود را فدای هدف  
کند نه هوا. و این هنر مردان  
خداست.

امام خمینی (ره)

# شهادت دانشجوی مدافع حرم روح‌المبارکی

دانشجوی کارشناسی جوش و مواد  
استان اصفهان

زکوهی خاتم این تب ختم  
چنان حبیب نماز مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی‌کردند، این  
دشمن می‌آمد داخل کشور.  
اگر جلوی پیش گرفته نمی‌شد، ما  
باید اینچا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می‌جنگیدیم ...





همیشه یک قرآن جیبی در جیبش بود،  
 زمان اضافی داشت مثل قبل و بعد کلاس  
 تو خوابگاه یا استراحت، بین رژه می  
 نشست و قرآن می خواند و با قرآن  
 مانوس بود، اهل ریا نبود، ادا در نمیآورد،  
 همیشه خودش بود، از شیفتگان حضرت  
 زهرا (س) و امام حسین(ع) بود و می  
 گفت امام حسین(ع) باید در قلبت باشد  
 و در قلبت بتپد ...

یادم هست میگفتی خانوم من برای  
 چادرت می روم که ~~ببیند~~ نکند فردا کسی  
 به بهانه جنگ چادر را از سر ناموس من  
 بردارد .

آن آن جفیه می بستند؛  
 تا بسبجی وار بچنگند  
 من چادر می پوشم؛  
 تا زهرایی زندگی کنم ...



# شهادت شهید دانشجوی مداحم روح الله قربانی

دانشجوی کارشناسی زبان  
 استان تهران

زودکی خاتم این تبارم  
 چنان جیب نماز در دفاعم

شهادای مدافع حرم با  
 دشمنی مبارزه کردند که اگر  
 اینها مبارزه نمی کردند، این  
 دشمن می آمد داخل کشور.  
 اگر جلویبش گرفته نمی شد، ما  
 باید اینجای در کرمانشاه و  
 همدان و بقیه استانها با اینها  
 می جنگیدیم ...







سال اول دبیرستان رضا بیماری عجیبی گرفت و فلج شد. نذر عمه سادات کردم تا رضا خوب شود برای خودشان یک روز در کمال ناباوری دیدم رضا دست به دیوار گرفت و راه رفت... آن روز زینب کبری (س) پسرم را شفا داد و امروز رضا فدائی زینب(س) شد.

مهندس برق و الکترونیک به روایت پدر شهید کارشناسی زبان و ادبیات عرب مسلط به زبان انگلیسی کارشناسی ارشد اطلاعات و عملیات دانشجوی دکترا اطلاعات و امنیت مخترع چندین طرح نظامی عضو نیروی قدس سپاه پاسداران حضور در ماموریت های مختلف از آفریقا تا آسیای شرقی جانباز جنگ غزه حضور در سوریه و در نهایت به قول برادر شهید، چه سعادت بالتر از این که در مسیر نذر پدرش فدایی زینب شد و پدر را رو سفید کرد...

حال اگر رویتان می شود بگوئید این جوان رشید برای پول به سوریه رفته بود.



# شهید دانشجوی مدافع حرم رضا کارگر بزرگ

دانشجوی دکترا اطلاعات و امنیت استان البرز

زودکی خاتم این تب ختمم  
چنان حبیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





آن ۱۲ تا شهیدی که ابدان  
مطهرشان در خان طومان جا  
مانده است، به راحتی می  
توانستند عقب بکشند و جان  
سالم پدر ببرند اما داوطلبانه در  
خط مقدم ماندند و تا آخرین قطره  
خون مقاومت کردند تا تکفیری ها  
نتوانند از بیجه های رزمنده تلفات  
و اسیر بیشتری بگیرند.  
اگر مقاومت این ۱۲ شهید نبود، زخمی  
ها به عقب بر نمی گشتند و همه تیر  
خلاصی می خوردند!!  
این است فرهنگ ایثار و فداکاری  
مدافعان حرم.

از شام بپرس دشمنی یعنی چه!  
آن دلهره ی نگفتنی یعنی چه!  
روباه صفت های حلب می دانند  
بی باکی ببر مازنی یعنی چه!



## شهمید دانشجوی مداح حرم رضا صاحب زاده

دانشجوی کارشناسی حقوق ثبتی  
استان مازندران

زودکی خاتم این تبارم  
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجای در کرمانشاه و  
همدان و یقین استازها با اینها  
می جنگیدیم ...





گر چه کشتید ولی فاتح دیگر داریم  
ما محال است که دست از شهدا برداریم

دانشجو کارشناسی از جامعه المصطفی  
مسلط به زبان عربی و انگلیسی، خطاط  
و نقاش.

#### وصیت شهید

”اگر خدا لیاقت شهادت را به من داد و  
من هم به جمع بچه ها پیوستم، می  
خواهم کسانی که بعد از من می آیند و  
مسئولیت قبول می کنند وجدانی کار  
کنند و همیشه وجدان خودشان را  
راضی نگه دارند.

بچه های زیادی از گرانها ترین چیز که  
زندگی شان بوده و از آن با ارزش تر  
نداشتند، گذشتند کاری کنیم که فردا  
شرمنده این شهدا نباشیم.“

## شهادت دانشجوی مدافع حرم رضا بخش

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق  
لشکر فاطمیون

زودکی خاتم این تبارم  
چنان جیب نماز مرا فراموش

شهادای مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...





گفتم نرو، بمان ادلم می خواهد پسرم  
عصای دستم باشد. گفت هر چه تو  
بگویی فقط یک سوال دارم می خواهی  
پسرت عصای این دنیا باشد یا آن دنیا  
؟

وقت آخرین وداع دوست داشتم  
صورتش را ببوسم مادر بودم و این  
آرزوی من بود اما اجازه ندادند و  
من فقط پاهایش را بوسیدم.

به یاد شهیدی که **نه شل مار** را پیش  
حسین (ع) سر از تنش جدا کردند:

گر بهای شبعه بودن،  
سر جدا گردیدن است

ما به عشق مرتضی،  
تاوان آن را می دهیم

تا بماند تا ابد،  
ذکر علی بر مآذنه

هستی و دار و ندار و  
جانمان را می دهیم



# شهادت شهید دانشجوی مدافع حرم رضا اسماعیلی

دانشجوی کارشناسی معماری  
لشکر فاطمیون

زودکی خاتم این تب خرم  
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...

۱۳۹۶





افرادی هستند که با نحوه شهادتشان حتی از خدا هم دلبری می کنند. وقتی از همان ابتدا فضایل اخلاقی اخلاص در عبادت، احترام و تسلیم محض در برابر والدین کسب می شود؛ وقتی دوران نوجوانی و جوانی صرف مسجد و فعالیتها پیش می شود و راه نفوذ شیطان بسته می شود؛ وقتی سال های سال از عمر صرف مجاهدت در سپاه اسلام می شود؛ شهادت عجیب گوارا تر است، و چه شهادتی که در راه دفاع از عقیده ی بنی هاشم باشد. همه ی این زیبایی ها ختم می شود به اسم پر ابهت شهید مدافع حرم.

# شهید دانشجوی مدافع حرم دادالله شیبانی

دانشجوی کارشناسی مخابرات و الکترونیک  
استان فارس

زودکی خاتم این تبر خرم  
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهیدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجای در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





وقتی بصرم در سوره به شهادت رسید  
و پیکرش را آوردند چون بدن و صورتش  
زخم زیاد برداشته بود، قابل شناسایی  
نبود.  
من او را از ضربه های چاقوی فتنه ۸۸ در  
بازوی چپش شناختم...

### روایت از پدر شهید

در سینه خود داغ فراوان داریم  
بنویس بر این عقیده ایمان داریم  
امنیت و آسایش خود را امروز  
از برکت خون شهیدان داریم

# شهید دانشجوی مدافع حرم محمد خلید

دانشجوی کارشناسی مدیریت  
استان تهران

زکودکی خاتم این تب ختم شد  
چنان حبیب نماز مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...





برای آنهایی که عقاید این عاشقان را باور  
نکردند همه چیز عجیب است. عجیب است  
پدری فرزندشیر خوارش را رها کند؛ عجیب  
است پدری دیگر نخواهد طعم به آغوش  
کشیدن دخترش را بچشد عجیب است  
جوان تازه دامادی همچون شهید خزاعی  
نژاد که هنوز یک ماه هم زندگی در کنار  
همسر خود را نگذرانده از زندگی خود  
بگذرد. اما تنها یک دلیل، یک اعتقاد و یک  
باور همه این تعجب را با کفایت می کند؛  
باور به اینکه به زودی روزی خواهد آمد که  
مهدی مان را می بینیم. آری امروز آنان در  
پاسخ به فریاد هل من ناصر امام زمان خود  
به دفاع از مظلومیت شعبه برخاستند و  
عاشورایی ترین محرم این سال ها را به ما  
هدیه کردند.



## شهادت شهید دانشجوی مداح حرم ایمان خروای نژاد

دانشجوی کارشناسی جغرافیا  
استان فارس

زودکی خاتم این تب محرم  
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...





نامش احمد بود هم نام پیامبرش وقتی  
رفت بر دوشش تفنگ بود و در دلش  
آرزوی شهادت. وقتی آمد، بر دوش  
دوستانش بود و شهید صدایش می  
کردند. او رفت اما آرمانش بر سطرهای  
خونین تاریخ ماندگار شد...  
احمد جان!

سوریه مرا یاد جبهه های وطنم می  
اندازد. آنگونه که هر روز شهیدی بود و  
خبری...

چقدر دلم برایت تنگ می شود برادرم! به  
من رخ بنما و نفسی تازه کن.

رنگ و رویت به خون آغشته و روح  
بلندت کنار حرم بی بی حضرت زینب سلام  
الله علیها از جان بدر آمد.

چگونه در دیار غربت همچون مولایت  
امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدی.



# شهمید دانشجوی مدافع حرم احمد حیار

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی  
استان خوزستان

زودکی خاتم این تبارم  
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادای مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجایا در کرمانشاه و  
همدان و یقیه استازها با اینها  
می جنگیدیم ...



دل نوشته دوست شهید

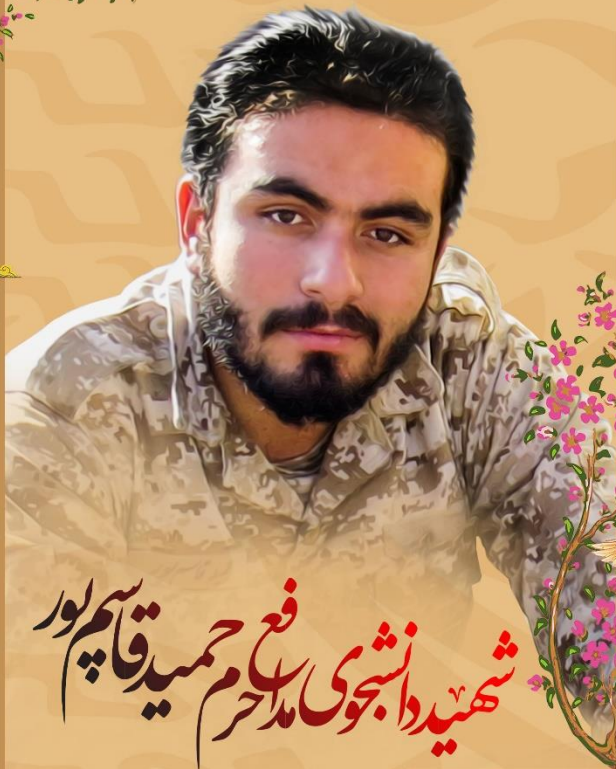




در دنیای ماشینی امروز و بعد از ۱۴۰۰ سال شیرمردانی که همیشه آرزو داشتند در کربلای حسینی حضور می یافتند و حتی آرزو داشتند که در دفاع مقدس خودمان سن شان می رسید و مجاهدت می کردند ، امروز چه زیبا به حضرت ابوالفضل العباس علمدار رشید دشت نینوا اقتدا کردند و در راه دفاع از حرمین عشق حضرت زینب (س) و حضرت رقیه (س) سجاده خونین شهادت در سرزمین شام گشودند.

خون شهید قاسم پور و دیگر شهدای مدافع حرم ، خونی است تازه در رگهای ما جوانان نسل سوم انقلاب تا به خود آییم و حسرت نخوریم و از خدا بخواهیم به ما هم توفیق جانفشانی در راه ایران و اسلام عنایت فرماید.

همه رفتند که پروانه ی گنبد باشند  
ما صبورانه نشستیم شود نوبت ما  
و همین لقلقه بر روی لبم جامانده  
کاش میشد که شهادت بشود قسمت ما



# شهید دانشجوی مدافع حرم حمید قاسم پور

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق  
استان فارس

زودکی خاتم این تبارم  
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجای در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





رفتت را ...

به نظاره نشستیم و درد کشیدیم

کوچه پس کوچه های خانطومان را  
باید به نام شهدای مازندران ثبت  
کنند...

به نام شیرمردان حماسه آفرینی که  
لباس احرام پوشیدند و کفن پوشان به  
استقبال شهادت رفتند و به ندای  
”هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي“  
بی بی زینب سلام الله علیها لبیک گفتند ...

خیال می کردیم دفاع مقدس که به پایان  
رسید، در باغ شهادت هم بسته شد ...  
نمی دانستیم تا زمانی که عاشورا در  
قلبها زنده است فرهنگ شهادت طلبی  
هم پایدار و زنده است ...

نمی دانستیم همین کسانی که بین ماقد  
کشیدند و بزرگ شدند و آرزوها داشتند  
اینگونه زندگی ابدی و جاوید پیدا  
خواهند کرد...



# تحمید دانشجوی مداح حرم حسین مشتاق

دانشجوی کارشناسی تربیت بدنی  
استان مازندران

زکوهی خاام این تبارم  
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهدای مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...

۱۳۹۶





پدرت می گفت تاب نداشتی آن همه  
ظلم ، آن همه کشتار ، آن همه  
جسارت به حرم دختر حیدر اربی تابت  
کرده بود.  
جانت را در کوله‌ای از عشق گذاشتی  
و داوطلب شدی تا سدی حرمتی‌ها  
شوی...  
رفتی و غیرتت را سد دشمن کردی و  
فریاد زدی شیعه‌ی علی و دختر  
حیدر هستی.

در تک تک پاورقی‌های دفترت  
نوشته بودی (می شود روزی به  
آرزویم ، یعنی شهادت برسیم...)  
و چه زیبا وقتی که تو را به آغوش خاک  
می سپردند ، سالروز رحلت بانویی بود  
که برایش از خود گذشته بودی.

عجب اتفاق جالبی  
چه زیبا ...  
چه نزدیک...

# شهید دانشجوی مدافع حرم حسن قادانا

دانشجوی کارشناسی حقوق  
استان خراسان رضوی

زکودکی خاتم این تبارم  
چنان حبیب نما شد مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...







خدا صبر خاصی به من داده است ، اطرافیان  
می گویند خدا این صبر و حوصله را در وجودت  
قرار داده تا امتحانت کند. همان روزهای اول  
گفتم فکر نکنم بتوانم دوام بیاورم و زنده بمانم  
ولی خدا همانطور که شهدا را می برد ، صبری  
هم به خانواده هایشان می دهد.

به نقل از همسر شهید

رفتن یک جوان به سمت جبهه و محل  
خطر، فقط مجاهدت او نیست.  
خود او به جبهه می رود، مدتی جهاد می کند و  
به شهادت می رسد و مجاهدت او تمام می  
شود.

اما مجاهدت آن همسر جوان ادامه دارد. اینها  
که شکایت نمی کنند. اینها که این را پای خدا  
محاسبه می کنند، اینها که با این صبر و شکر  
خودشان گردونه ی مجاهدت را بین مردم  
ادامه می دهند ...

مقام معظم رهبری



# شهید دانشجوی مداح مومن احمدی

دانشجوی کارشناسی جغرافیای برنامه ریزی شهری  
استان اصفهان

زودکی خاسته این تبار  
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهدای مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجای در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...





شاید ما در راهی قدم می گذاریم که بگویند خارج از وطن و یا دور از وطن است، ولی عقیده بنده این است که دین اسلام محدودیت ندارد و دین فر اتر از کشور ها و وطن هاست و اگر هر کس به خداوند اعتقاد دارد باید در راه احیای دینش جهاد کند و امر به معروف و نهی از منکر بکند. مکتب ما مکتب پیروزی خون بر شمشیر است.

بخشی از وصیت شهید

یا حسین گویان عالم  
در پناه زینب اند

عرشیان مامور حفظ  
بارگاه زینب اند

گوشه ای از این حرم  
حاشا که بردارد خراش

تا زمانی که شیعیان  
مرد سپاه زینب اند

# شهبودانشجوی مداحم حجت اصغر شریانی

دانشجوی کارشناسی IT  
استان تهران

زودکی خاتم این تبارم  
چنان حبیب نماز مرا فرم

شهادای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و یقین است آنها با اینها می جنگیدیم ...





# شهید دانشجوی مدافع حرم حاج جوان

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی  
استان آذربایجان شرقی

زودکی خاتم این تب ختم  
چنان حبیب نما سوزانم

چند روز بود حامد از سوریه به بیمارستان بقیه الله تهران منتقل شده بود که روزی سردار حاج قاسم سلیمانی با هیئت همراهشان برای ملاقات حامد تشریف آوردند .

ابتدا سردار بدن آقا حامد را بوسیدند و بعد شروع به گریه کردند . شدت گریه طوری بود که احساس کردیم بابت مجروحیت و بدن پراز ترکش حامد گریه می کنند .  
کمی بعد که آرام تر شدند فرمودند:  
”مبادا فکر کنید من به زخم های حامد عزیز گریه می کنم، نه من بابت این گریه می کنم که یکی از شجاع ترین نفراتم را از دست دادم. هر وقت یک ماموریت مشکل و پر خطر بود حامد همیشه داوطلب بود .

شهدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...



به نقل از برادر شهید



شاید بارها و بارها با خودم تکرار کرده ام که احمد چه شد و چگونه آسمانی شد، و هر بار به این کلمه و بیان می رسم؛ "ولایت".

احمد همواره می گفت: ولایت مطلقه فقیه، عامل رستگاری ماست و ما باید به این اصل و قاعده و منطق همواره پایبند و معتقد باشیم و اگر این اصل را فراموش کنیم، کشور دچار آسیب می شود چرا که این مملکت یک امانت در دست ماست و باید آن را به صاحب اصلی اش تقدیم کنیم.

## شهمید دانشجوی مدافع حرم احمد الیاسی حاجیوند

دانشجوی کارشناسی کامپیوتر  
استان خوزستان

زودکی خاتم این تب ختم  
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجای در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...







وضع مالیش خوب بود، به تازگی برای دوره ی کارشناسی ارشد ثبت نام کرده بود.

فرزندش تنها دو روز داشت. اما از همه ی اینها دل کند و می گفت اگر امروز به سوریه نروم چطور می توانم انتظار داشته باشم فرزندانم در کشورشان امنیت داشته باشند...

اسلام مرز ندارد... وقتی به شیعه و حرم حضرت زینب جسارت می کنند به مردم ایران و حرم امام رضا هم ممکن است جسارت کنند.

و سرانجام راهی دمشق شهر عشق شد ...

مدافعان حرم اهل پرواز شدند در معرض پایان، ولی آغاز شدند

آن ها را به کجا کشیده عشق حرمت ایرانی بودند و سوریه سر باز شدند

# شهید دانشجوی مدافع حرم جواد محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد خبرنگاری استان خراسان رضوی

زکوهی خاستم این تب خیزم  
چنان جیب نما سوزانم

شهادت مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





شهید پاسدار ملا حرم پویا ایزدی

استان اصفهان

زکوهی خاتم این تبارم  
چنان جیب نما سرافرازم

شهادت مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...





مجتبی معتقد بود که سوریه و عراق هم مرز ما هستند و هم مرز اسلام. دفاع ما در سوریه تنها دفاع از خاک نیست بلکه رسالتی عظیم تر و مسئولیتی خطیر تر پیش رو است که همان دفاع از مرز اسلام است. من و همه پدر و مادر های شهدا، مانند موشکی هستیم که برای دفاع از اسلام همیشه آمادگی شلیک داریم.

مرد روز عمل و نیکوکار بهر شهید  
ما اشداء علی الکفاریم

فکر مرگیم که در سرهامان  
شور شیرین شهادت داریم

چه کسی گفته که ما مجبوریم؟  
وقت جنگ است و همه مختاریم



# شهید دانشجوی مداح حرم مجتبی بخشی

دانشجوی کارشناسی حقوق  
اسان خراسان رضوی

زودکی خاتم این تبارم  
چنان جیب نماست مدافع حرم



شهدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلویش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...





واژه ها در برابر عمق عاطفه ی تو  
حقیرند، که هنوز ترانه ی زندگی ات به  
سطر سوم نرسیده بود و صدای عشق  
به گوشت خورد و هوایی ات کرد ...  
عجبا بر این طنین عاشقانه ای که شاه  
دخت حیدر می زند ...  
عاشقانه بودی که عاشقانه نوشتی:  
”زیبای من خدا نگهدارت“  
و چه خوش بخت نو عروسی است که تو  
در بهشت به انتظارش نشسته ای ...

آنگونه که تورفتی

خدا هم برایت دست تکان داد ...  
من بیخود دلخوش کرده بودم ...  
به این کاسه آب ...

# شهادت دانشجوی مدافع حرم امین کریمی

دانشجوی کارشناسی الکترونیک  
استان تهران

زودکی خاتم این تب ختم  
چنان حبیب نماز مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...





این دنیا با تمام زیبایی‌ها و انسان‌های خوب محل گذر است و تمامی ما دیر یا زود باید برویم اما چه بهتر که زیبارویم، در هیاهوی زندگی متوجه شدم که چه دوینهايي که فقط پاهایم را از من گرفت در حالی که گویی ایستاده بودم، چه غصه‌هایی که فقط باعث سپیدی مویم شد اما در یافتنم که کسی هست که اگر بخواهد می‌شود و اگر نه، نمی‌شود. کاش نه می‌دویدم، نه غصه می‌خوردم، فقط او را می‌خواندم.

و در آخر چند درخواست از جوانان هموطنم دارم؛ اول اینکه در هر صورت ممکن پشتیبان ولی فقیه باشند و بمانند، چون مملکت اسلامی بدون ولی فقیه ارزشی ندارد.  
دوم به دختران مسلمان عرض کنم که حجاب زهرایی شما موجب حفظ نگاه برادران می‌شود.  
سوم به پسران مسلمان عرض کنم بی‌اعتنایی شما و حفظ نگاه شما موجب حفظ حجاب خواهران خواهد شد.  
لطفاً سوره آل عمران آیه ۱۶۴ تا ۱۷۰ را قرائت کنید.

بخشی از وصیت‌نامه شهید



# شهادت‌نامه شهید دانشجو مبارک‌میرزا امیر لطفی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی  
استان تهران

زودکی خاتم این تب ختم  
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادت‌نامه مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی‌کردند، این دشمن می‌آمد داخل کشور. اگر جلوی پیش گرفته نمی‌شد، ما باید اینجای در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می‌جنگیدیم ...





رفتن آسان نبود...  
 آن زمان که چشمان معصوم میوهی دلت  
 را به دست مهربان بانویت سپردی...  
 دل که شیدا و هوایی بشود جز معشوق  
 نمیبیند و نمی شنود... قرآن را در گنجیه  
 ی دلت محفوظ داشتی و نماز را در کوچه  
 و مهمانی برپا داشتی و این گونه آسمانی  
 شدنت را تضمین کردی...

**دست نوشته شهید:**

الهی و ربی من لی غیرک  
 خدا یا می دانی که غیر از تو کسی را ندارم  
 و کسی نیست بجز تو که از درون و برون  
 من آگاه باشد لذا فقط از تو می خواهم که  
 مرا هدایت کنی و همچنین یاریم کنی و  
 در نهایت به سعادت واقعی برسانی که  
 همان شهادت می باشد.

**شکست داججوی مداحرم ابرشیرازی**

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی  
 استان تهران

زودکی خاتم این تبارم  
 چنان جیب نماز مداحم

شهادای مدافع حرم با  
 دشمنی مبارزه کردند که اگر  
 اینها مبارزه نمی کردند، این  
 دشمن می آمد داخل کشور.  
 اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
 باید اینجا در کرمانشاه و  
 همدان و بقیه استانها با اینها  
 می جنگیدیم ...





بعضی هارفتن  
غریبانه همرفتن  
بعضی هاشون حتی جسمشون برنگشته  
و بعضی های دیگه مظلومانه روی دوش  
مردم برگشتن

رفتن تا آقازاده ها و خیلی های  
دیگه در امنیت و آرامش به دزدی  
هاشون برس.  
رفتن تا مرفهان بی درد با امنیتی  
که دارن بشینن و جنگ در سوریه و  
عراق را محکوم کنن.  
رفتن تا سلطنت طلب ها و  
ضدانقلاب با آرامش تا پاسی از  
شب بشینن و شبکه های لس  
آنجلسی خود فروخته را نگاه کنن.

البته برای این سربازهای از جان  
گذشته و فدایی فرقی نمیکنه که  
روزی جنگ تحمیلی بود، روزی  
داخل کشور شورش مسلحانه شد  
و با امروز جنگ نیابتی علیه  
ایران راه افتاده چون هدف اون ها  
ورای درک مخالفینشون هست.  
اونها رفتن، میرن و خواهند رفت.  
برای امنیت کشور، برای دفاع از  
دین و برای رسیدن به شهادت.  
و در این بین رو سیاهی میمونه  
برای بعضی ها!!

# شهمید انجوی مداحرم عبدالحسین لوفیان

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی  
استان اصفهان

زکوهی خاتم این تبارم  
چنان جیب نما سرفرازم

شهادت مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...





مهم ترین مسئله ای که منجر به حرکت قاطعانه در راه خدا می شود، ایمان و عقیده است. ایمان نمی آید مگر اینکه آگاهی حاصل شود. پس اگر نمی توانیم کاری انجام دهیم از روی ناآگاهی است! دل کندن از تمایلات دنیوی و وابستگی ها تنها در صورتی میسر می شود که مجاهد و مدافع بتواند پیش از حضور در میدان نبرد با خودش تصفیه حساب کند.

شهید وحید نومی گلزار از آگاهی رسیده بودند که همیشه می گفتند وظیفه ای من فقط زمانی نیست که دشمن به مرزهای کشورم تعدی کرده باشد!!

کم کردن شر تکفیری ها از سر مسلمانان و دور کردن آنها از حریم اهل بیت برای من احساس وجوب می آورد.

## شهید دانشجوی مبارک و حمید نومی گلزار

دانشجوی کارشناسی شیمی آزمایشگاهی  
استان آذربایجان شرقی

زودکی خاتم این تبار  
چنان جیب نماست مدافع حرم

به نقل از برادر شهید

شهدای مدافع حرم با دشمنی مبارزه کردند که اگر اینها مبارزه نمی کردند، این دشمن می آمد داخل کشور. اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استانها با اینها می جنگیدیم ...







با دلی پر از شوق و عاشقانه عازم  
 ماموریت به کشور سوریه می باشم و  
 بسیار خوشحال و شادمان هستم و اگر  
 خدا بپذیرد، جانم را در راه دفاع از  
 حریمین شرفین و دین مقدسم تقدیم  
 می نمایم و ان شاءالله این حقیر از  
 سربازان امام زمان (عج) باشم و جزء  
 افرادی باشم که در هنگام جان دادن  
 ذکر لبم حسین(ع) باشد و باعشق مولا  
 علی(ع) جان به جانان آفرین تسلیم  
 نمایم.

از خانواده خودم و برادران پاسدار خودم  
 و همه شما خواستارم که همیشه در راه  
 حق و ولایت رهبری و انقلاب قدم  
 بردارید و حافظ خون شهدا باشید تا  
 بتوانیم پرچم اسلام را به دست صاحب  
 برحقش امام زمان (عج) برسانیم.

# شهید دانشجوی مدافع حرم امیر هودی علی

دانشجوی کاردانی معماری  
 استان خوزستان

زودکی خاتم این تب خدایم  
 چنان حبیب نماز مدافع حرم

شهادت مدافع حرم با  
 دشمنی مبارزه کردند که اگر  
 اینها مبارزه نمی کردند، این  
 دشمن می آمد داخل کشور.  
 اگر جلوی پیش گرفته نمی شد، ما  
 باید اینجا در کرمانشاه و  
 همدان و یقین استازها با اینها  
 می جنگیدیم ...



بخشی از وصیت شهید



صدایی از کربلایی تازه، به گوش می  
رسید که مظلومیت دوباره دختری را  
فریاد می زد.

زینب(س)، عباس ها را فراخوانده بود  
و غیرت در رگ هایت موج می زد.  
و عشق را زمانی دیدم که دست  
هایت را دادی تا غم در دل شیر  
دختر علی نباشد. برای عباس،  
فرات دل دل زد و برای تو  
آسمانی از شب بی قراری می  
کرد...

به راستی عجب راز عجیبی است  
میان عباس(ع) و زینب(س) و  
غیر تمندان عشق...

# شهادت شهید دانشجوی مدافع حرم هشتم دهقان زنییا

دانشجوی کارشناسی تربیت بدنی  
استان اردبیل

زکوه کی خسام این تب خرم  
چنان جیب نماست مدافع حرم

شهادای مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلویش گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...





غنچه‌ی خندان ما لب تشنه بر پر شد ولی  
شد شکوفابهارها در نوبهار کربلا

نام او جاوید می ماند چو عاشورا بیان  
نام او در عاشقان بی شمار کربلا

بود بر پیشانی اش نام حسین بن علی  
شد به غربت پاکباز و پاسدار کربلا

تا غبار غم ز داید از ضریح زینب، او  
شد ابوالفضل دگر در کارزار کربلا

او علی اکبری دیگر شد و در ماه خون  
کرد جان خویش را آسان، نثار کربلا

مرایت الاجمیل در نگاهش جلوه کرد  
مفتخر شد بر مآل کربلا

شهید هادی جعفری با حمله مستقیم  
هوایمهای بدون سرنشین آمریکایی، در  
زمینی به شهادت رسید که ۱۴۰۰ سال  
پیش قدمگاه امام حسین (ع) و اصحاب  
عاشورایی اش بود. عاشورایی دیگر  
برپاست و نبرد بین حق و باطل ادامه دارد.

مرگ بر آمریکا



# شهید دانشجوی مدافع حرم هادی جعفری

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم و تحقیقات  
استان مازندران

زودکی خاتم این تب ختم  
چنان حبیب نماز مدافع حرم



شهادت مدافع حرم با  
دشمنی مبارزه کردند که اگر  
اینها مبارزه نمی کردند، این  
دشمن می آمد داخل کشور.  
اگر جلوی گرفته نمی شد، ما  
باید اینجا در کرمانشاه و  
همدان و بقیه استانها با اینها  
می جنگیدیم ...





### “جمهوری اسلامی”

مرکز اسلام و تشییع است. امروز قرارگاه مسین بن علی (ع)، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی مرگ است و این مرگ اگر ماند، دیگر مرگ ها می مانند. اگر دشمن، این مرگ را از بین برد، مرگی باقی نمی ماند، نه مرگ ابراهیمی و نه مرگ مومّدی (ص)...

مرکز پخش: ۰۹۱۲۱۴۴۰۸۴۶